

پژوهشنامه خراسان بزرگ

شماره ۴۵ زمستان ۱۴۰۰

No.45 Winter 2022

۶۱-۷۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۰۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۲۳

تحلیل و تاریخ‌گذاری نسبی مجموعه بین‌راهی چهل‌پایه شهرستان طبس

علی‌اصغر محمودی‌نسب: دانش‌آموخته دکتری، گروه باستان‌شناسی دوران اسلامی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه مازندران، ایران (aliasqarmahmoodi@yahoo.com)

حسین صدیقیان: استادیار، گروه تاریخ و باستان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه لرستان، ایران

سید رضا رافعی: دانش‌آموخته کارشناسی‌ارشد، گروه باستان‌شناسی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه بیرجند، ایران (Rafei.reza@gmail.com)

محمد فرجامی: کارشناس باستان‌شناسی، اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی خراسان جنوبی، بیرجند، ایران (farjamimohammad@yahoo.com)

Abstract

From the past until now, one of the requirements of intercity roads for caravans or travelers has been the existence of service and welfare buildings with different functions. In the past, these buildings mostly included single buildings such as caravanserais and cisterns. However, in some parts of Iran, a series of service and welfare buildings with different uses have been identified together. These buildings are generally built in areas with unfavorable weather conditions, such as hot and dry areas. Chehel-Paye is one of these identified buildings located on the ancient Khorasan-Kerman Road. Chehel-Paye is located today at the southern end of the Deihuk section of Tabas County, inside the Lut Desert. No independent research has been done on this collection. While this complex is very important in the study of the history of architecture for two reasons: 1- having various structures with various uses and 2- stages of construction of several periods. Therefore, it needed to be addressed in independent research. Accordingly, the main objectives of the present study include the following: general review and comparison of the works of this collection, identification of their possible use and approximate dating of each of its buildings. The method of this research is descriptive-analytical and the method of collecting information is a combination of field and library studies. In this article, while identifying the function of all buildings, it was found that the buildings of this complex were all service functions, but were probably built in two or more periods from the 10 to the 19th century. For example, Payab in the first step, two storage basins in the second step and caravanserai and a number of other architectural spaces in the third step were probably built during the Qajar period.

Keywords: Chehel-Paye complex, Khorasan-Kerman Road, Tabas city, intermediate buildings, Islamic era

چکیده

از گذشته تاکنون یکی از ملزومات راه‌های بین‌شهری برای کاروانیان یا مسافران وجود بناهای خدماتی و رفاهی با کارکردهای متفاوت بوده است. این ابنیه در گذشته بیشتر شامل تک بناهایی همچون کاروان-سرا و آب‌انبار بودند، اما در برخی مناطق ایران مجموعه‌ای از ابنیه خدماتی و رفاهی با کاربری‌های مختلف در کنار هم نیز شناسایی شده‌اند. این ابنیه عموماً در مناطقی ساخته شده‌اند که شرایط آب و هوایی مساعدی ندارند مانند مناطق گرم و خشک. یکی از این مجموعه بناهای شناسایی شده چهل‌پایه است که در مسیر راه باستانی خراسان-کرمان قرار دارد. چهل‌پایه امروزه در انتهای جنوبی بخش دیهوک شهرستان طبس و در داخل کویر لوت واقع است. در ارتباط با این مجموعه تاکنون پژوهش مستقلی صورت نگرفته است؛ در حالی که این مجموعه بنا به دو دلیل برخورداری از چند سازه گوناگون با کاربری‌های متنوع و مراحل ساخت چند دوره‌ای آن، اهمیت زیادی در مطالعات تاریخ معماری دارد. بر همین اساس اهداف اصلی پژوهش حاضر شامل بررسی و مقایسه کلی آثار این مجموعه، شناسایی کاربری احتمالی آن‌ها و تاریخ‌گذاری تقریبی هر یک بناهای آن است. روش پژوهش حاضر توصیفی-تحلیلی و شیوه گردآوری اطلاعات آن ترکیبی از مطالعات میدانی و کتابخانه‌ای است. بر این اساس، ضمن شناسایی کاربرد تمام ابنیه، چنین مشخص گردید که بناهای این مجموعه از میل‌های راهنما گرفته تا آب‌انبار و کاروان‌سرا، تماماً کارکرد خدماتی داشته‌اند، اما احتمالاً در دو یا چند دوره زمانی از قرن چهارم تا سیزدهم هجری ساخته شده‌اند. به‌عنوان نمونه احتمالاً سازه گنبدی اتراقگاهی و پایاب در مرحله اول، دو حوض‌انبار در مرحله دوم و کاروان‌سرا و تعدادی فضاهای معماری دیگر در مرحله سوم و در طول دوره قاجاریه ساخته شده‌اند.

واژگان کلیدی: مجموعه چهل‌پایه، جاده خراسان-کرمان، شهرستان طبس، بناهای بین‌راهی، دوران اسلامی

*نویسنده مسئول مکاتبات: حسین صدیقیان (ir.ac.lu@h.sedighian)



Journal of Great Khorasan by Imam Reza International University is licensed under a [Creative Commons Attribution 4.0 International License](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/).

مقدمه

پهنای کشور ایران در ادوار مختلف و راه‌های بی‌شمار آن در طول تاریخ سبب می‌شد در مسیر جاده‌ها، ساختمان‌های فراوانی برای استراحت و حتی حفاظت کاروانیان از سرما و گرما ساخته شود. بی‌تردید می‌توان بیان داشت یکی از بزرگ‌ترین رازهای موفقیت ایرانیان در تشکیل حکومت‌های باستانی و ایجاد تمدنی پرشکوه، هماهنگی کامل و وحدت نظر و عمل ایشان در گسترش شبکه راه‌های بزرگ سرتاسری با منزلگاه‌ها و کاروان‌سراهای متعدد بود (سیرو، ۱۹۴۹: ۱۳-۱۲؛ نراقی، ۱۳۵۲: ۵۷). شواهد تاریخی این ابنیه را حداقل از دوره هخامنشی به بعد در متون تاریخی گوناگون می‌توان جست‌وجو کرد. به‌عنوان نمونه هرودت مورخ قرن پنجم پیش از میلاد، به منزلگاه‌هایی اشاره می‌کند که بین شوش و سارد قرار داشتند. وی از ۱۱۱ بنا شبیه کاروان‌سرا نام می‌برد که در طول ۲۵۰۰ کیلومتر ساخته شده و کاروانیان سه‌ماهه آن را طی می‌کردند (گریشمن، ۱۳۸۶: ۱۵۸-۱۵۷؛ ویسپوهفر، ۱۳۸۸: ۱۰۲؛ سامی، ۱۳۸۹: ۱۵۸/۲؛ کخ، ۱۳۸۷: ۸۶؛ کیانی و کلایس، ۱۳۷۳: ۱؛ حامی، ۱۳۵۸: ۷). این روند در طول دوران اشکانی و ساسانی نیز تداوم داشته و در برخی راه‌های تجاری کاروان‌سراهایی همچون کاروان‌سرای تل‌گُشک پیشاپور، از آن‌ها به یادگار باقی مانده است (کیانی و کلایس، ۱۳۷۳: ۲۱۵). با ظهور اسلام و به‌ویژه از قرن سوم و چهارم هجری به بعد، تحولی در گسترش کاروان‌سراها به وجود می‌آید به‌نحوی که تقریباً در جای‌جای سرزمین ایران و در بیشتر مسیرهای کاروانی قدیم شاهد ساخت کاروان‌سراهای گوناگون هستیم. در اثر همین گسترش، هر مسافر تا هر زمان که مایل بود به صورت رایگان می‌توانست در کاروان‌سراها اقامت کند (صداقت‌کیش، ۱۳۸۶: ۴۵؛ نراقی، ۱۳۵۲: ۵۸). در همین ارتباط یکی از این منازل بین‌راهی، مجموعه بنای معروف به چهل‌پایه است که در جنوبی‌ترین قسمت شهرستان طبس یعنی ۶۰ کیلومتری جنوب‌غربی روستای نایبند از توابع بخش دیهوک قرار دارد. در ارتباط با وجه‌تسمیه چهل‌پایه دو احتمال وجود دارد. اول وجود ستونچه‌های سنگی راهنما در مسیر راه ارتباطی کرمان-خراسان که به نظر اهالی منطقه ۴۰ ستونچه بوده است و دوم وجود یک پایاب با ۴۰ پله در آنجا که به ۴۰ پایه هم معروف است. این نام حتی

در برخی منابع تاریخی اواخر زندیه و دوره قاجاریه ذکر شده که نشان می‌دهد از گذشته این منطقه بانام چهل‌پایه شهرت داشته است. به‌عنوان نمونه در بخشی از کتاب *روضه‌الصفاء* نوشته خواندمیر و در ذکر وقایع ۱۲۰۶ ق اشاره به *راه چهل‌پایه لوط* شده است (میرخواند، ۱۳۳۹: ۵۷۴؛ اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۱۴۱۸؛ هدایت، ۱۳۷۳: ۳۱۵؛ محمدابراهیم، ۱۳۴۳: ۲۰).

پیشینه پژوهش

در رابطه با این مجموعه تاکنون پژوهش جامع و مستقلی صورت نگرفته است. با توجه به اسناد منتشرشده موجود یا در دسترس، از محدود پژوهش‌هایی که اشاراتی به این مجموعه کرده‌اند می‌توان به این موارد اشاره کرد: یکی از اولین پژوهش‌های صورت گرفته که به بخشی از بناهای این مجموعه پرداخته کتاب *کاروان‌سراهای ایران* است. در این اثر پلانی از کاروان‌سرا تهیه شده و توضیحات مختصری در مورد بنا بیان شده است. به‌جز این پژوهش، در پروژه بررسی *باستان‌شناسی بخش دیهوک و دهستان پیرحاجات شهرستان طبس*، برای نخستین‌بار کل این مجموعه مورد بررسی قرار گرفت و توصیفات کلی آن در گزارش منتشرنشده این بررسی ارائه شده است. به‌جز این دو مورد هیچ پژوهش دیگری در ارتباط با این مجموعه صورت نگرفته است. نظر به اینکه چهل‌پایه صرفاً از یک کاروان‌سرای بین‌راهی تشکیل نشده، بلکه فضاهای معماری گوناگون دیگر نیز در پیرامون آن قرار دارد، ضرورت داشت که در قالب یک پژوهش علمی این مجموعه مورد مطالعه قرار گیرد.

روش پژوهش

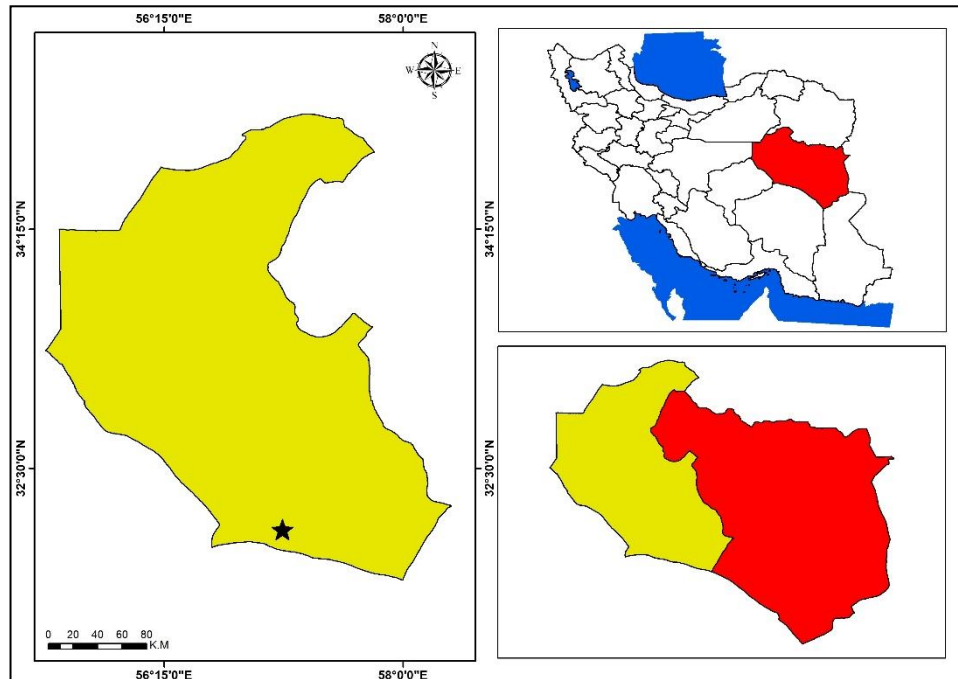
با توجه به این موارد هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی، مقایسه، تحلیل و تاریخ‌گذاری نسبی بناهای گوناگون این مجموعه می‌باشد. علاوه بر این، تلاش شده است تا کاربری احتمالی برخی بناهای موجود در آن با استفاده از مطالعات مقایسه‌ای مشخص گردد. در همین ارتباط پرسش‌های اصلی پژوهش شامل این موارد است: بناهای این مجموعه در چه دورانی ساخته شده‌اند؟ این ابنیه چه کاربری داشته‌اند؟ و با کدام‌یک از بناهای شناخته‌شده موجود قابل‌مقایسه هستند؟ در جهت پاسخ‌گویی به این پرسش‌ها از روش توصیفی-تحلیلی استفاده شده است. نظر به اینکه

شمالی و ۵۷ درجه و ۸ دقیقه و ۲۵ ثانیه عرض شرقی قرار گرفته است و ۸۴۵ متر از سطح آب‌های آزاد ارتفاع دارد. چهل‌پایه هم‌چنین در مسیر راه ارتباطی دیهوک به کرمان قرار گرفته و نزدیک‌ترین شهر به آن راور کرمان است. راور در فاصله تقریبی ۸۰ کیلومتری جنوب مجموعه قرار گرفته است. دیهوک نیز به خط مستقیم در فاصله تقریبی ۱۵۰ کیلومتری شمال مجموعه قرار دارد. از فاصله تقریبی ۵۰ متری غرب این مجموعه نیز یک رودخانه فصلی در جهت شمالی-جنوبی عبور کرده که احتمالاً در گذشته یکی از منابع تأمین آب آن بوده است. چهل‌پایه دارای چند بنای مختلف با کاربری‌های متفاوت است که در زیر به آن‌ها پرداخته می‌شود (تصاویر ۲ و ۳).

داده‌های اصلی این پژوهش نیز حاصل بررسی‌های میدانی باستان‌شناسی بوده، در نتیجه شیوه گردآوری اطلاعات در آن بر پایه این بررسی‌ها و نیز مطالعات کتابخانه‌ای مرتبط با آن می‌باشد. در مقاله حاضر ضمن توضیحات مختصری در مورد موقعیت جغرافیایی مجموعه، هر یک از ابنیه آن جداگانه بررسی شده و در نهایت نیز جمع‌بندی و نتیجه‌گیری کلی ارائه شده است.

موقعیت جغرافیایی مجموعه کاروان‌سرای چهل‌پایه

مجموعه کاروان‌سرای چهل‌پایه در دهستان کویر از توابع بخش دیهوک شهرستان طبس و در نزدیکی مرز استان خراسان جنوبی با کرمان قرار دارد (تصویر ۱). این مجموعه هم‌چنین در موقعیت ۳۱ درجه و ۵۶ دقیقه و ۲۴ ثانیه طول



تصویر ۱: موقعیت مجموعه کاروان‌سرای چهل‌پایه در بخش دیهوک شهرستان طبس با علامت ستاره روی نقشه (نگارندگان، ۱۳۹۹)



تصویر ۲: فضاهای گوناگون مجموعه کاروان‌سرای چهل‌پایه در تصویر ماهواره‌ای (منبع: URL1)



تصویر ۳: نمای کلی مجموعه چهل‌پایه و محیط پیرامونی آن (مأخذ: مرکز اسناد اداره کل میراث فرهنگی استان خراسان جنوبی)

کاروان‌سرای چهل‌پایه

این کاروان‌سرا در حال حاضر ساختاری تقریباً مربع شکل داشته و ابعاد آن ۳۵×۳۵ متر است. این بنا در جهت شمال-غربی-جنوب‌شرقی یا رون اصفهانی^۱ ساخته شده و درگاه ورودی ایوان‌مانند آن در جانب شمال‌غربی بنا قرار گرفته است. کاروان‌سرای چهل‌پایه امروزه از فضاهایی همچون چهار برج دیده‌بانی دایره‌ای در چهار ضلع بنا، ایوان ورودی، حیاط مرکزی، شاه‌نشین، حجره‌های پیرامون حیاط، آشنرخانه و هشتی، تشکیل شده است (تصاویر ۴ تا ۱۰). شاه‌نشین به واسطه آنکه در طبقه دوم و بالای هشتی ورودی ساخته شده، ارتفاع بیشتری نسبت به بقیه قسمت‌ها داشته که به حدود هفت متر می‌رسد. ایوان ورودی شش، برج‌های دیده‌بانی پنج و بقیه قسمت‌ها نیز حدود چهار متر ارتفاع از سطح زمین‌های اطراف دارند. این بنا در حال حاضر شش ایوانچه با طاق جناغی در خارج بنا و در دو طرف درگاه ورودی و ۱۲ حجره یا ایوانچه در داخل بنا و پیرامون حیاط مرکزی دارد که معمولاً کف آن‌ها حدود یک متر بالاتر از سطح زمین‌های اطراف است. علاوه بر حجره و ایوانچه، تعداد شش اتاق بزرگ و کوچک نیز در این بنا شناسایی شد که راه دسترسی

پژوهشنامه خراسان بزرگ

زمستان ۱۴۰۰ شماره ۴۵

۶۴

دو بنا از طریق حجره‌ها و دو بنا از طریق هشتی میسر بوده، دو اتاق نیز مسیر جداگانه در جانب جنوب‌شرقی بنا دارند. این اتاق‌ها پوشش چهاربخشی داشته و داخل آن‌ها فضای شومینه یا بخاری دیواری تعبیه شده است. در دو ضلع شمال‌شرقی و جنوب‌غربی بنا و در پشت حجره‌ها نیز دو ردیف اصطبل یا آشنرخانه به ابعاد هر یک ۴×۲۲ متر قرار دارد. راه دسترسی به برج‌های دیده‌بانی دو طبقه این کاروان-سرا نیز در داخل همین اصطبل‌ها قرار دارد. در گوشه جنوب‌شرقی این بنا نیز یک درگاه ورودی بسیار کوچک و محقر قرار گرفته که مشابه آن در کاروان‌سراهای دیگر مشاهده نشد؛ احتمال دارد در گذشته این ورودی جهت استفاده از دستشویی نزدیک بنا، ایجاد شده باشد. در ساخت این بنا عمدتاً از مصالح آجر با ابعاد ۴×۲۵×۲۵ سانتی‌متر استفاده شده، اما در آزاره سنگ‌های ورقه‌ای ماسه‌سنگ نیز بکار رفته است. بیشتر بخش‌های بنا فاقد تزئین بوده اما در قسمت‌هایی همچون درگاه ورودی و رخ‌بام برج‌های دیده‌بانی تزئینات آجرکاری همچون خفته‌راسته، دندان‌موشی، هره‌چین، طاق‌نما یا نغول^۲ و پوشش‌های تزئینی (چهاربخشی)^۳، به‌کاررفته است (تصاویر ۱۱-۱۲).

به استخوان‌بندی بنا است و طاق‌نمایی که بیشتر برای زیبا کردن سطوح دیوارهای بنا به‌کار می‌رود (زمرشیدی، ۱۳۷۴: ۶۰؛ کیانی، ۱۳۷۶: ۳۳).

۲. این نوع طاق، مثل طاق ترکیب از تقاطع دو طاق گهواره‌ای به وجود می‌آید با این تفاوت که در این طاق به‌جای اینکه چهار ضلع طاق بر روی چهار دیوار یا چهار سطح تکیه کند بر روی چهار نقطه استوار می‌شود. این طاق می‌تواند بروی فضای مربع یا مستطیل شکل ساخته شود. قسمت حمال طاق‌های چهاربخشی از چهار قوس (چهارطاق) و چهار ترک که از داخل طاق دیده می‌شوند، تشکیل

۱. رون اصفهانی یکی از سه رون یا جهات اصلی معماری سنتی ایران است که عموماً در ساخت بناهای مسکونی و تا حدودی سایر ابنیه مانند کاروان‌سراها، به آن توجه می‌شد (پیرنیا، ۱۳۹۰: ۱۵۵).

۲. طاق‌نما نمایش طاق است و کلمه طاق به معنی سقف و قوس به‌کاررفته است. طاق‌نما فرم و شکلی از طرح طاق روی بدنه دیوارهاست که فاقد جنبه سازه‌ای است. طاق‌نما می‌تواند برای جا دادن پنجره یا برجسته نشان دادن آن و یا در بر گرفتن یک مشبک باشد و یا فقط جنبه تزئینی داشته باشد و برای خوش‌نمایی در زیبایی سطح به‌کار رود. طاق‌نما دو نوع است: طاق‌نمایی که بیشتر مربوط

شده است، منازل نایبند تا کرمان را این‌طور بیان می‌کند: «از نایبند تا آخر لوت کرمان سی فرسخ فاصله دارد، یعنی تا دریند بیست فرسخ هیچ آبادی ندارد، یک فرسخ گردنه و بقیه جلگه است، حوض‌خان از بناهای گنجعلیخان در همین کویر است، بعد حوض چهل‌پایه و سپس دریند، چشمه‌ای آب شیرین دارد [...] چهار فرسنگ بعد رباط چشمه و چاه‌گزو است، بعد کریم‌آباد، سپس راور که مجموعاً ده فرسنگ از دریند فاصله دارد. از راور تا کرمان بیست فرسنگ فاصله است [...]» (محمد بن ابراهیم، ۱۳۴۳: ۲۰-۲۱). نویسنده در این کتاب در منزل چهل‌پایه به رباط یا کاروان‌سرای اشاره ندارد، بلکه می‌گوید حوض چهل‌پایه. پس می‌توان گفت در دوره صفوی در اینجا بنای کاروان‌سرای چهل‌پایه ساخته نشده است؛ به همین دلیل می‌توان این احتمال را داد که کاروان‌سرای مذکور در اوایل دوره قاجاریه و به سبک معماری دوره صفوی یا همان سبک اصفهانی ساخته شده است.

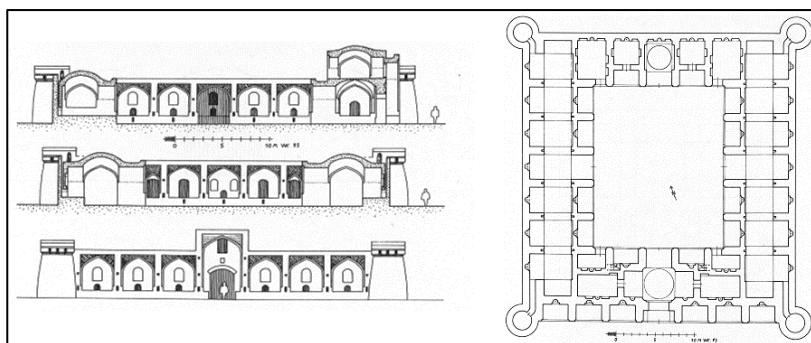
کاروان‌سرای چهل‌پایه از لحاظ نوع پلان تا حد زیادی قابل‌مقایسه با کاروان‌سرای صفوی کبوترخان در جاده رفسنجان-کرمان است (کیانی و کلایس، ۱۳۷۳: ۲۹۶). بر همین اساس در کتاب *کاروان‌سراهای ایران* تاریخ ساخت بنای چهل‌پایه نیز دوره صفویه ذکر شده است (همان: ۳۰۵)، اما در برخی از منابع تاریخی توضیحاتی در ارتباط با تاریخ و بانی ساخت این بنا ذکر شده است. به‌عنوان نمونه در *سفرنامه خراسان و کرمان* اشاره به ساخت کاروان‌سرای چهل‌پایه و دو حوض‌انبار در طول دوره قاجاریه و توسط احتشام سلیمان‌خان بهجه‌الدوله^۱ از بزرگان بم برای رفاه بیشتر زوار، شده است (افضل‌الملک، ۱۳۶۲: ۱۷۲). نظر به اینکه در *مکارم‌الآثار* و در ذکر وقایع ۱۲۲۷ ق اشاره به قتل ملامحمد کوهبنانی در کاروان‌سرای چهل‌پایه کویر لوت شده، احتمالاً این بنا در زمان حکومت فتحعلی‌شاه قاجار یا قبل از آن ساخته شده است (حبیب‌آبادی، ۱۳۸۱: ۱۰۵۶). همچنین نویسنده *سلجوقیان و غزدر کرمان* که در دوره صفوی نگاشته

شده است. این ترک‌ها مسائل ایستایی را همراه دارد. بارهای وارده کلاً به‌وسیله مجموعه‌ای از قوس‌های به هم چسبیده که ترک‌ها را می‌سازند به چهار نقطه یا تکیه‌گاه منتقل می‌شود. اجرای طاق از چهارگوشه آن شروع و به رأس آن ختم می‌شود. برای اجرای آن احتیاج به تویزه‌های گچی راهنما می‌باشد. یکی از محسنات این طاق، علاوه بر عملکرد ایستایی آن، قابلیت گسترش آن در طول محورهای هندسی مختلف است (معماربان، ۱۳۶۷: ۶۶).

۱. سلیمان‌خان بهجت‌الدوله نیای خانواده‌های عامری و ابو عامری بم و کرمان است که در ۱۳۲۳ ق یا ۱۳۲۴ ق وفات یافت. از محترمان و متنفذان ایالت کرمان بود که آثار و ابنیه عام‌المنفعه‌ای از او در بسیاری نقاط کرمان برجای مانده است (سالار بهزادی، ۱۳۸۴: ۱۹۲).

۲. کتاب *سلجوقیان و غزدر کرمان*، رونوشت‌هایی از کتاب *بدايع الازمان* افضل‌الدین ابوحامد کرمانی است و به رویدادهای کرمان در

سال‌های ۶۱۹-۶۷۷ ق می‌پردازد. برخی از پژوهش‌گران، این کتاب را اصیل ندانسته و گفته‌اند: دلیلی بر این نیست که نویسنده آن یک‌باره به نوشتن تاریخ سلجوقیان کرمان دست‌زده باشد، اما بر پایه متن این کتاب، گویی وی در نوشتن چنین تاریخچه‌ای تعمد داشته و با انگیزه‌ای نیرومند به این کار پرداخته است؛ زیرا دختر قاورد سلجوقی، به همسری یکی از سادات شهداد (یکی از نیاکان نویسنده) درآمده و از این‌رو، او خواسته است که تاریخ اجدادش را بنویسد. محمد بن ابراهیم در دوران حکومت گنجعلیخان زنگ (۱۰۳۵-۱۰۰۴ ق) در کرمان می‌زیست و افزون بر این، رویدادهایی در کتابش گنجانده که ابوحامد آن‌ها را در بدايع الازمان نیاورده و هر جا از آن کتاب چیزی نقل کرده، همچون مورخی امین به‌روشنی از نویسنده‌اش نام برده و در شرح خصالش قلم‌زده است (برگرفته از مقدمه کتاب تاریخ افضل).



تصویر ۴: پلان، نما و برش کاروان سرای چهل پایه (کیانی و کلایس، ۱۳۷۳: ۳۰۵)



تصویر ۵: کاروان سرای چهل پایه، دید از شمال غرب (نگارندگان، ۱۳۹۹)



تصویر ۶: کاروان سرای چهل پایه، دید از جنوب شرق (نگارندگان، ۱۳۹۹)



تصاویر ۷-۸: حجره‌های دو طرف ایوان ورودی کاروان سرا و حیاط مرکزی آن (نگارندگان، ۱۳۹۹)



تصاویر ۹-۱۰: نمایی از شاه‌نشین و فضای داخلی آن (نگارندگان، ۱۳۹۹)



تصاویر ۱۱-۱۲: تزئینات آجرکاری خفته و راسته و دندان‌موشی (نگارندگان، ۱۳۹۹)

می‌توان به این موارد اشاره کرد: ساختار گنبدی شکل با فضای داخلی کوچک سازه، استفاده از مصالح لاشه‌سنگ، نزدیکی به رودخانه فصلی، قرارگیری در مسیر راه ارتباطی و وجود بقایای دو سازه معماری در جانب جنوبی و هم‌راستا و تقریباً نزدیک به بنا که می‌توانسته درگاه یا پلکان مسقف ورودی به بنا باشد. در نگاه ظاهری و اولیه مشابه این سازه با همان ابعاد، ساختار و مصالح را می‌توان در نمونه‌های تقریباً پابرجا و بین‌راهی مناطق دیگر مانند حوض‌انبار کودکان و عبدالله شیرینی شهرستان خوسف ملاحظه کرد که از چند قسمت درگاه ورودی، چند پله منتهی به مخزن و سقف گنبدی شکل، تشکیل شده‌اند (صدیقیان و نیکزاد، ۱۳۹۳: ۱۲۸، ۹۹)، اما با بررسی‌های میدانی صورت گرفته در مسیر جاده خراسان-کرمان از منزل حوض خان (شمال) به سمت منزل چهل (جنوب) شبیه به این سازه دو مورد دیگر نیز شناسایی شد. اولین سازه به فاصله تقریبی ۱۶ کیلومتری از حوض خان به سمت منزل چهل‌پایه قرار گرفته است. در این منطقه حوض‌انبار تقریباً سالمی وجود دارد که در پیرامون آن بقایای سه اثر مدور شبیه به سازه‌های چهل‌پایه شناسایی شد. این آثار در امتداد هم ساخته شده و فقط بخشی از

سازه گنبدی اقامتگاهی چهل‌پایه

همان‌گونه که در قسمت‌های قبل ذکر شد، چهل‌پایه یک مجموعه بین‌راهی متشکل از یک کاروان‌سرا و چند فضای معماری دیگر است که در اینجا ابتدا به یکی از سازه‌های مدور گنبدی آن پرداخته می‌شود که کاربری متفاوتی با سازه‌های دیگر دارد. در قسمت بیرونی کاروان‌سرا و در کنار برج جنوبی یک فضای گنبدی شکل با مصالح لاشه‌سنگ و اندود گل‌گچ قرار دارد (تصویر ۱۳). ارتفاع این سازه گنبدی حدود ۳/۵ متر و قطر دایره‌ای شکل آن در حدود سه متر است. در مرکز سازه یک نورگیر تعبیه شده و قسمتی از فضای داخل این فضای مدور به دلیل قرارگیری این مجموعه در کویر لوت پر از شن و ماسه شده است، اما تنها بخشی از فضای زیر گنبد با شن پر نشده و تا حدودی قابل‌مشاهده است که به صورت کاملاً سیاه و دودزده می‌باشد. در جانب جنوبی آن نیز بقایای دو فضای معماری مدور ویران شده دیگر وجود دارد که با مصالح لاشه‌سنگ ساخته شده‌اند. این دو اثر کاملاً قابل‌مقایسه با سازه فوق هستند اما متأسفانه تنها فرم مدور آن‌ها روی سطح مشخص است. در نگاه اول این سازه شبیه حوض‌انبار ساخته شده است. از جمله دلایل آن

بر کاروان‌سراهای بین‌راهی، تعدادی اتاق‌های گنبدی شکل منفرد یا چندتایی نیز به‌عنوان جان‌پناه و اترافگاه موقتی افراد ایجاد شده بودند؛ موضوعی که تاکنون کمتر پژوهش‌گران مرتبط به آن پرداخته‌اند. بر همین اساس و با توجه به چند دلیل می‌توان برخی از سازه‌های گنبدی منزل چهارپایه و چند منزل پیرامونی آن را به‌عنوان سازه‌های اترافگاهی موقتی یا نوعی جان‌پناه به‌حساب آورد: داشتن ساختار گنبدی منفرد، استفاده از مصالح لاشه‌سنگ با ملات سیم‌گل در ساخت گنبد و حتی بقایای دیوارهای اصلی آنکه این مصالح و ملات نمی‌توانند مدت‌زمان زیادی آب را در داخل خود حفظ کنند، نداشتن شواهد اندود آهکی یا گل‌آهک مرتبط با آب در داخل بنا و وجود شواهد دیوارهای دودزده در بخش‌های قابل‌مشاهده زیر گنبد. با توجه به این دلایل احتمالاً این سازه‌های گنبدی کارکرد اقامت موقتی یا حتی لحظه‌ای برای چند نفر را داشته و قاعدتاً در دوره‌ای قبل از ساخت کاروان‌سرای چهارپایه وجود داشته‌اند اما متأسفانه تاریخ تقریبی مشخصی نمی‌توان برای ساخت این ابنیه در نظر گرفت. ضرورت وجود این اقامتگاه‌های کوچک موقتی زمانی در این مناطق بیشتر احساس می‌شد که طوفان‌های شن در منطقه پدید می‌آمد. در نتیجه با ورود به این سازه‌ها تا حد زیادی از این طوفان‌ها در امان می‌ماندند.



تصاویر ۱۲ و ۱۴: اتاقک گنبدی چهار پایه در سمت راست و اتاقک گنبدی بین منزل حوض خان تا چهار پایه در سمت چپ (نگارندگان، ۱۳۹۹)

شمال‌غربی بنا قرار گرفته و ساختار تقریباً چهارطاقی دارد. این درگاه چهارطاقی مانند یک طرفش با آجر بسته شده و روی سقف گنبدی آن یک سازه تقریباً بادگیر مانند شش طرفه ایجاد شده است. از این درگاهی یک‌رشته پلکان با طاق جناغی به سمت پایین کشیده شده که منتهی به پاشیر می‌شود و متأسفانه بخش‌های زیادی از آن با رسوبات رودخانه‌ای پر شده است. مخزن بنا نیز ساختار تقریباً گنبدی

دیواره‌های آن‌ها با ارتفاع ۵۰ سانتی‌متر باقی مانده است. بعد از این منطقه و طی ۱۶ کیلومتر دیگر به سمت منزل چهارپایه سازه مدور دیگری که نسبتاً سالم هست و با همان ویژگی‌ها شناسایی شد (تصویر ۱۴). در ارتباط با نوع کاربری آن‌ها اطلاعات دقیقی در دست نیست، اما ظاهراً این سازه‌های گنبدی بین‌راهی حداقل از قرن چهار هجری به بعد در منطقه شناخته شده و در برخی متون تاریخی به آن‌ها اشاره شده بود. به‌عنوان نمونه در *سفرنامه ناصر خسرو* و در حین گزارش مسیر کویر به سمت قهستان به چنین سازه‌هایی اشاره می‌کند. ایشان در این بخش از کتاب خود چنین بیان می‌کند: «[...] و در این راه بیابان به هر دو فرسنگ گنبدک‌ها به سبب آن است تا مردم راه گم نکنند و نیز به گرما و سرما لحظه‌ای در آنجا آسایشی کنند و در راه ریگ روان دیدیم عظیم که هر که از نشان بگردد، از میان آن ریگ بیرون نتواند آمدن و هلاک شود» (قبادیانی، ۱۳۸۴: ۱۳۹). از این تک‌اتاق‌های گنبدی شکل بین‌راهی در مسیر باستانی خراسان-کرمان، در برخی دیگر از منابع تاریخی دوران اسلامی نیز یاد شده است (برای نمونه ر.ک: مقدسی، ۱۳۶۱/۲: ۷۱۸؛ حامد کرمانی، ۱۳۲۶: ۵-۶؛ اصطخری، ۱۳۴۰: ۱۸۶). با توجه به اشارات این منابع تاریخی، می‌توان چنین بیان کرد که در گذشته و احتمالاً در برخی مناطق کویری و بیابانی، علاوه

حوض انبار شماره یک چهار پایه

سازه دیگر شناسایی شده در مجموعه چهار پایه بقایای نسبتاً سالم و کامل یک حوض انبار است. این بنا در جانب شمال-شرقی کاروان‌سرا و با ابعاد ۲۰×۸ متر و در راستای شمال-غربی-جنوب‌شرقی ساخته شده و شامل فضاهای مختلف معماری از جمله سردر، پلکان، پاشیر، مخزن، سقف گنبدی و بادگیر است (تصاویر ۱۵ تا ۱۷). درگاه ورودی در جانب

است. این موضوع با اشارات منابع تاریخی اوایل دوره قاجاریه کاملاً قابل انطباق است که بیان کرده‌اند همزمان با کاروان‌سرا حوض‌انبار نیز ساخته شده است (افضل‌الملک، ۱۳۶۲: ۱۷۲). این حوض‌انبار برخلاف بسیاری از نمونه‌های مشابه دیگر در منطقه، علاوه بر داشتن سازه منحصربه‌فرد بادگیر مانند، تزیینات مختصری نیز به شیوه آجرکاری فخر و مدین^۱ دارد.

شکل نوع شاخ‌بزی کند، به ارتفاع پنج و قطر چهار متر دارد. در ساخت این بنا از مصالح لاشه‌سنگ در پی و بخشی از دیوارها و از آجرهایی با ابعاد $۲۵ \times ۲۵ \times ۴$ سانتی‌متر در ساخت بقیه قسمت‌های بنا و گنبدخانه استفاده شده است. با توجه به نوع ساختار بنا و به‌کارگیری آجرهای مشابه با کاروان‌سرا این احتمال داده می‌شود که آب‌انبار تقریباً هم‌زمان با کاروان‌سرا و در طول دوره قاجاریه ساخته شده



تصویر ۱۵: آب‌انبار چهل‌پایه، دید از جنوب (نگارندگان، ۱۳۹۹)



تصاویر ۱۶-۱۷: مسیر بلکان منتهی به پاشیر و نمایی از درگاه ورودی بنا (نگارندگان، ۱۳۹۹)



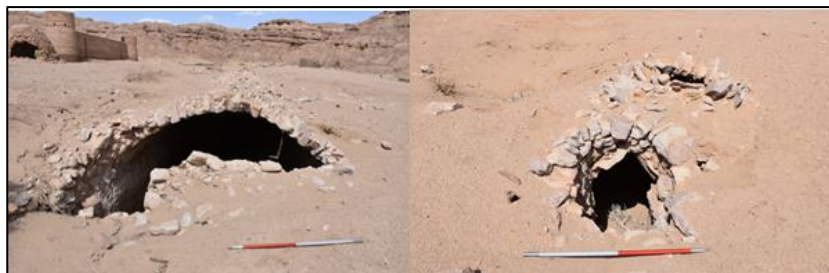
از سنگ، ملات آهک و گچ و ساروج استفاده شده است. دیواره و کف حوض‌انبار با اندود ساروج پوشانده شده و پوشش فضاها به‌صورت گنبدی و با سنگ اجرا شده است. در ارتباط با تاریخ ساخت این دو بنا شواهدی موجود نیست اما با توجه به شناسایی حوض‌انبارهای مشابه با مخزن مستطیل‌شکل در مناطق دیگر که عموماً مربوط به دوره صفوی تا قاجاریه هستند مانند حوض‌انبار گزیک شهرستان درمیان (صدیقیان، ۱۳۹۴: ۱۸۹)، احتمالاً این دو سازه نیز در همین بازه زمانی ساخته شده‌اند.

حوض‌انبار شماره دو و سه چهل‌پایه

در فاصله تقریباً ۴۰ متری جنوب کاروان‌سرا، بقایای نیمه ویران دو حوض‌انبار دیگر مجاور هم با ابعاد ۳۰×۵ و ۵×۳ متر وجود دارد (تصویر ۱۸). این دو بنا در جهت شمال‌غربی-جنوب‌شرقی ساخته شده و درگاه ورودی آن‌ها در جانب شمال‌غربی قرار دارد. بعد از درگاه ورودی، بقایای چند پله دیده می‌شود که مستقیم به داخل مخزن راه دارند. مخزن این حوض‌انبارها مستطیلی شکل و در ساخت دیوار و پوشش بنا

که علاوه بر عبور نور و تهویه باعث ایجاد سایه‌هایی منحصربه‌فرد در فضای داخلی می‌شود (مؤمنی و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۳۶).

۱. فخر یا فغفور (فَ غ ف و ر) نوعی دست‌ساخته لعابدار چینی است و مدین یعنی سوراخ و گودال و مَجُوف (مُ ج و ف). فخر و مدین یکی از انواع آجرچینی است که سطحی مشبک ایجاد می‌کند



تصویر ۱۸: ورودی و پوشش مخزن حوض انبار شماره دو و سه چهل‌پایه (نگارندگان، ۱۳۹۹)

پایاب چهل‌پایه

یکی دیگر از فضاهای معماری مجموعه چهل‌پایه، پایاب است که در فاصله ۵۰ متری جنوب کاروان‌سرا قرار گرفته است. ابعاد تقریبی این پایاب ۳×۲۵ متر و در راستای شمال‌غربی - جنوب‌شرقی است (تصاویر ۱۹ تا ۲۱). پایاب یا ته‌آب در اصل فضای زیرزمینی در برخی مناطق کویری مانند شهرستان خور و بیابانک بوده که با ایجاد یک پلکان با شیب بیش از ۳۰ درجه به مسیر قنات می‌رسید (طباطبایی، ۱۳۸۵: ۲۷). تقریباً تمامی پایاب‌های شناخته‌شده ایران در مسیر یک‌رشته قنات در داخل شهرها یا روستاها یا برخی مسیرهای ارتباطی ساخته شده‌اند، اما پایاب چهل‌پایه تا حدودی متفاوت با نمونه‌های شاخص دیگر ایران است. این سازه از یک درگاه ورودی تشکیل شده که با عبور از ۴۰ پله به داخل عمق زمین منتهی به فضایی می‌شود که آب زیرزمینی در آن به‌دست آمده است؛ آبی که به استناد منابع تاریخی از قنات یا آب‌انبار تأمین نمی‌شود بلکه به دلیل عمق زیاد پایاب از دل زمین استخراج می‌شده است (افضل‌الملک، ۱۳۶۲: ۱۷۲). درگاه ورودی بنا در جانب شمال‌غربی قرار داشته و با مصالح لاشه‌سنگ و به‌صورت خشکه‌چین ساخته شده است. همان‌گونه که بیان شد برای دسترسی به آب باید از یک دالان ۴۰ پله‌ای با شیب نسبتاً زیاد عبور کرد که در صورت نداشتن نورگیر، فضایی تاریک با اکسیژن‌رسانی اندک درست می‌شد. به همین دلیل در زمان ساخت بنا دو حلقه چاه با فاصله ۱۲ و ۲۴ متر از قسمت درگاه ورودی و درست در بالای فضای دالان، حفاری کرده‌اند تا به‌عنوان نورگیر آن استفاده شود. این نورگیرها قطر ۱/۵ و ۲ متر داشته و فضای بیرونی آن‌ها دور سنگ‌چین شده است.

در ارتباط با تاریخ ساخت بنا اطلاعات چندانی در دست نیست اما به دلیل ساخت چند حوض‌انبار در دوره قاجاریه می‌توان احتمال داد که این بنا شاید قبل از این دوره و حتی در طول دوره صفویه ساخته شده باشد. این موضوع به نحوی در کتاب سفرنامه خراسان و کرمان نیز ذکر شده و در همان دوره قاجاریه اشاره به قدمت زیاد پایاب چهل‌پایه شده است. در بخشی از کتاب چنین آمده است: «سحر به منزل چهل‌پایه رسیدیم [...] این‌که این منزل را چهل‌پایه گویند، محض آن است که از اینجا قنات جاری نمی‌شده است؛ لهذا در قدیم زمین را کنده‌اند و چهل‌پایه پائین برده‌اند. در پله چهل فضای کوچکی درست کرده آب جوشیده در آنجا جمع شده کاروانیان به مصرف خود می‌رسانیدند. از آنجا آب برداشتن بسی صعوبت و خطر داشت. من از آن پله‌ها پائین رفته و در پائین که آب جمع شده بود بسی وحشت داشت و تاریخ بود [...]» (افضل‌الملک، ۱۳۶۲: ۱۷۲). با استناد به این توضیحات ضمن آنکه کاربری بنا و نحوه دسترسی به آب در آن مشخص شده، می‌توان پی برد که سازه قدمتی بیش از دوره قاجاریه داشته است. همین موضوع با توضیحات دیگری توسط سرپرسی سایکس سیاح انگلیسی نیز بیان شده است. وی چنین بیان می‌دارد که وجود پلکان‌های بسیار این سازه و دسترسی به آب در داخل آن باعث شده که مخفیگاه مناسبی نیز برای اشرار منطقه باشد (سایکس، ۱۳۲۶: ۴۷-۴۸). با توجه به این توضیحات و شاید به دلیل همان شرایط سخت دسترسی به آب در این پایاب بود که در دوره قاجاریه چند حوض‌انبار در پیرامون کاروان‌سرا ساخته شده و استفاده از پایاب کم‌کم به فراموشی رفته است.



تصاویر ۱۹-۲۰: ورودی پایاب چهل‌پایه و یکی از نورگیرهای آن (نگارندگان، ۱۳۹۹)



تصویر ۲۱: موقعیت پایاب، حوض انبار ۳ و سازه احتمالی دستشویی مجموعه چهل‌پایه (نگارندگان، ۱۳۹۹)

سرویس بهداشتی

سه سازه کوچک مجاور هم با سه درگاه ورودی جداگانه، داشتن مجرای خروجی آب در زیر گوشه دیوار هر سه بنا، وجود درب کوچکی در جانب جنوب شرقی کاروان‌سرا که رو به این سازه‌ها باز می‌شود و نیز مصاحبه شفاهی با شخصی ۱۱۵ ساله بنام حسینقلی تاج‌الدینی که در گذشته از این مجموعه عبور کرده و اشاره به کاربری این ابنیه کرده است. با توجه به شواهد مذکور احتمالاً این فضاها در گذشته به‌عنوان سرویس بهداشتی کاروان‌سرای چهل‌پایه ساخته شده بودند.

در جنوب شرقی کاروان‌سرا و به فاصله ۳۰ متری از آن سه فضای معماری قرار دارد که یک فضای آن تقریباً تخریب شده است، اما دو فضای دیگر ابعاد 2×2 و 3×2 و ارتفاع $1/5$ متر دارند که با مصالح سنگ و ملات گل و بدون پوشش سقف ساخته شده‌اند که مشابه آن‌ها در مناطق دیگر شناسایی نگردید. با توجه به چند دلیل که در مطالعه این ابنیه ملاحظه شد چنین احتمال داده می‌شود که در گذشته به‌عنوان سرویس بهداشتی مجموعه کاربرد داشته‌اند: وجود



تصویر ۲۲: سرویس بهداشتی مجموعه چهل‌پایه (نگارندگان، ۱۳۹۹)

کوره آج‌ریزی چهل‌پایه

است که معمولاً با چوب کوره را روشن و حرارت را ایجاد می‌کردند. با توجه به اینکه این کوره از نوع کوره تنوری می‌باشد، به‌احتمال دارای پوشش گنبدی بوده و دود حاصل از آتش داخل تنوره از دودکشی در سقف به بیرون هدایت می‌شده است. علاوه بر دودکش سقف کوره، در داخل کوره و روی بدنه دیوار نیز دودکش‌هایی برای انتقال دود ساخته شده

این کوره به فاصله ۱۲ متری ضلع شمال شرقی کاروان‌سرا قرار گرفته است (تصویر ۲۳). معماری کوره نشان می‌دهد که بنا به‌صورت مدور بوده و قطر ۴۲۰، عمق ۱۷۰ و ضخامت دیواره ۸۰ سانتی‌متر دارد. این کوره از نوع کوره‌های تنوره‌ای بوده

است. ارتفاع این کوره نسبت به محیط اطراف نیم متر می- باشد. با توجه به شواهد موجود و شناسایی تعدادی آجر تقریباً حرارت دیده یا گدازه شده در داخل بنا، احتمالاً آجرهایی با ابعاد $۲۵ \times ۲۵ \times ۴$ سانتی متر در این کوره تولید می شد. علاوه بر داخل بنا، در پیرامون کوره نیز جوش کوره و آجرهای گدازه و دفرمه با حجم زیاد مشهود است که خود دلالت متقنی بر کاربری اصلی سازه دارد. با توجه به شواهد موجود احتمالاً از آجرهای تولیدی این کوره در ساخت کاروان سرا و برخی بناهای دیگر مجموعه استفاده می شد،



تصویر ۲۳: کوره آجرپزی چهل پایه (نگارندگان، ۱۳۹۹)

زیرا مشابه آجرهای تولیدی این کوره و با همین ابعاد در بنای کاروان سرا و بناهای دیگر مانند حوض انبار شماره یک به کاررفته است.

در ضلع غربی کوره و به فاصله ۵۰ متری آن، اتاقی با ابعاد ۶×۳ و ارتفاع یک متر قرار دارد. عرض دیوارهای این سازه ۹۰ سانتی متر بوده و ورودی آن در ضلع غربی قرار دارد. نظر به اینکه این سازه احتمالاً ناتمام باقی مانده یا بیشتر آن کاملاً تخریب شده نمی توان در مورد کاربری و قدمت آن سخن گفت.

استفاده شده و نمای بیرونی بنا بین درزهای سنگ نیز با این ملات پر شده است و در پوشش بین دو طبقه از آجرهایی با ابعاد $۲۵ \times ۲۵ \times ۵$ سانتی متر همراه با ملات خاک و گچ استفاده شده است. پوشش سقف دو طبقه به صورت عرقچین می باشد و در مرکز دو پوشش، نورگیری قرار دارد. در ضلع غربی طبقه دوم نیز پلکانی قرار دارد که به پشت بام منتهی می شود. فضای پشت بام هم دیواری آجری به ارتفاع ۱۸۰ سانتی متر جهت نگهداری دارد و سنگ اندازهایی داخل دیوار ایجاد شده که در صورت حمله از داخل این سنگ- اندازها سنگ را بالای سر مهاجمان بیندازند (تصویر ۲۵). علاوه بر این روزنه هایی جهت دیده بانی روی بدنه دیوار قرار دارد. با توجه به شواهد موجود و به دلیل آنکه آجرهای بنا از لحاظ ابعاد کاملاً مشابه با کاروان سرا هستند، احتمالاً این بنا نیز هم زمان با کاروان سرا و در طول دوره قاجاریه ساخته شده است. از جمله نمونه های مشابه این برج که در نزدیکی کاروان سراهای دیگر ساخته شده، می توان به برج دیده بانی کاروان سرای نوگنبد در مسیر ارتباطی نائین به یزد، اشاره کرد که در دوره قاجاریه ساخته شده است (کیانی و کلایس، ۱۳۷۳: ۱۹۰؛ اسمعیلی جلودار و صفی نژاد، ۱۳۸۸: ۱۲).

برج دیده بانی چهل پایه

برج چهل پایه به فاصله ۱۲۵ متری شرق کاروان سرا و روی یک بلندی و لبة پرتگاه قرار دارد که جهت دیده بانی از قافله ها و کاروانیان در نزدیکی کاروان سرا ساخته شده است (تصویر ۲۴). برج چهل پایه به صورت مخروطی بوده و قطر آن در پایین سازه چهار متر است اما هر چه ارتفاع بنا بیشتر می شود از قطر آن نیز کاسته می شود. این بنا حدود شش متر ارتفاع دارد و ورودی اصلی آن نیز در ضلع شرقی قرار گرفته که ۱۱۰ سانتی متر ارتفاع آن است. ضخامت دیواره این برج یک متر می باشد و هر چه بر ارتفاع برج افزوده می شود، از ضخامت دیواره آن کاسته می شود. این برج در دو طبقه ساخته شده که طبقه اول جهت استراحت نگهداری بوده است و ورودی طبقه دوم از داخل طبقه اول انجام می شد. احتمالاً طبقه دوم جهت دیده بانی استفاده می شد، زیرا دورتادور آن روزنه هایی برای این منظور وجود داشت. در ضلع شمالی آن نیز پنجره ای با ابعاد ۸۰×۵۰ سانتی متر ایجاد شده که یک درب سنگی روی پاشنه سنگی، دارد. علاوه بر این، دو طاقچه و یک بخاری دیواری نیز درون دیوار کار شده است. در ساخت دیوار طبقه اول و دوم برج از سنگ به همراه ملات گچ و خاک

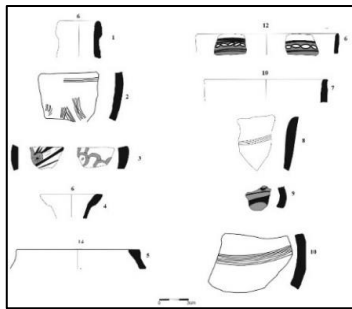


تصاویر ۲۴ و ۲۵: نمایی از برج دیده‌بانی مجموعه چهل‌پایه و بخشی از فضای داخلی آن (نگارندگان، ۱۳۹۹)

بیشتر این سفال‌ها ساده بدون نقش یا با تزیینات اندک و غیر شاخص بوده که تاریخ‌گذاری تقریبی آن‌ها مشکل است، اما چند قطعه تزیین نقاشی زیر لعاب آبی و سفید و لعاب‌دار تک‌رنگ سبز با خمیره رسی دارند که احتمالاً مربوط به دوران اسلامی و به‌ویژه دوره صفویه تا قاجار باشند (جهت مقایسه سفال آبی و سفید چهل‌پایه ر.ک: Watson, 2004: 268).

آثار منقول به‌دست‌آمده در مجموعه چهل‌پایه

در بررسی میدانی مجموعه چهل‌پایه علاوه بر مطالعه آثار معماری آن، به یافته‌های پراکنده سطحی نیز توجه شد و این یافته‌ها نیز جهت مطالعه مقایسه‌ای و تاریخ‌گذاری تقریبی احتمالی بررسی شدند. در این بررسی تعداد ۱۰ قطعه سفال جمع‌آوری گردید (تصویر ۲۶). از این تعداد چهار قطعه مربوط به لبه و شش قطعه مربوط به بدنه می‌باشد. متأسفانه



تصویر ۲۶: عکس و طرح تعدادی از سفال‌های شناسایی‌شده در مجموعه چهل‌پایه (نگارندگان، ۱۳۹۹)

یکی از مهم‌ترین این راه‌ها، جاده معروف به ابریشم یا همان خراسان بزرگ بود که در اصل شاهراه ارتباطی شرق و غرب جهان آن دوران به حساب می‌آمد. راه ابریشم متشکل از یک شاهراه اصلی و چندین راه فرعی دیگر بوده است. یکی از مسیرهای فرعی این جاده ارتباطی در قسمت جنوب خراسان و در مسیر هرات-سیستان و بجزستان-یزد و کرمان بود (میراحمدی، ۱۳۶۸: ۱۰۱-۱۰۰). این مسیر که در حدفاصل خراسان تا سیستان و کرمان و در یک منطقه کویری و بیابانی قرار داشته، به‌کرات در منابع تاریخی دوران اسلامی یاد شده است (عرفان‌منش، ۱۳۷۶: ۱۰۰). به‌عنوان نمونه ابن‌حوقل جغرافی‌دان قرن چهارم هجری در بخشی از کتاب خود چنین بیان می‌دارد که اگر مسافران به راه‌ها، منازل و کاروان‌سراهای مسیر کرمان تا خراسان آشنا نباشند، هرگز نمی‌توانند از بیابان‌های این مسیر عبور کنند (ابن‌حوقل،

کاروان‌سرای چهل‌پایه منزلگاهی در مسیر ارتباطی خراسان-کرمان

پیدایش راه در ایران و تأسیسات مربوط به آن سرگذشتی بسیار کهن دارد. راه‌ها و معابر کنونی ایران که خاور را به باختر و شمال را به جنوب و کشور را به سرزمین‌های بیرون از مرز آن پیوند می‌دهد کم و بیش با جرئی تغییر که علم و صنعت جدید در این اواخر در آن به وجود آورده، همان مسیرهای باستانی است (پیرنیا و افسر، ۱۳۷۰: ۱۰). گسترش ادیان، فرهنگ‌ها و تفکرات سیاسی و اقتصادی در دوران باستان از طریق این راه‌ها صورت می‌گرفت. عواملی چون برخورداری از ذخیره آب و مواد غذایی، وجود شهرها و آبادی‌های فراوان و ده‌ها کاروان‌سرا یا سازه‌های بین‌راهی دیگر در مسیر این راه‌ها نیز نقش تعیین‌کننده‌ای در توسعه و استمرار استفاده از آن‌ها در طول تاریخ داشته‌اند (ترک‌لادانی و کجیاف، ۱۳۸۹: ۳۵).

۱۳۶۶: ۱۴۱). در ارتباط با این مسیر بیابانی بسیار طولانی مقدسی جغرافی دان قرن چهارم هجری نیز توضیحات مفصلی ارائه کرده است. وی چنین بیان می‌دارد که در طول این مسیر هیچ روستا یا شهر یا رود دائمی وجود ندارد اما آب‌انبار و گنبد‌های بسیار در طول آن ایجاد شده است (مقدسی، ۱۳۶۱/۲: ۷۱۸-۷۱۶) که همین موضوع توسط برخی مورخان دیگر نیز بیان شده است (حامدکرمانی، ۱۳۲۶: ۵-۶؛ قبادیانی، ۱۳۸۴: ۱۳۹؛ اصطخری، ۱۳۴۰: ۱۸۶). اشارات فراوان منابع تاریخی به این مسیر و سازه‌های معماری گوناگون بین‌راهی آن حکایت از اهمیت بسیار آن در برهه‌ای از تاریخ دارد. مسیری که حتی بعد از شهادت امام رضا^(ع) در مشهد و افزایش تدریجی شیعیان اثناعشری، اهمیتی مذهبی نیز پیدا می‌کند (گابریل، ۱۳۷۱: ۲۷۱). این موضوع از دوره صفویه به بعد و با رسمی شدن مذهب تشیع در کشور از اهمیت بیشتری برخوردار شده و به واسطه آن آثار بین‌راهی متعددی در طول این مسیر ایجاد می‌شود (ترکمان، ۱۳۸۲: ۶۱۱)؛ هرچند در قبل از این دوران هم کاروان‌سرا و رباط‌هایی در طول این مسیر ساخته شده، اما با توجه به شواهد باستان‌شناسی موجود و اطلاعات تاریخی بیشتر کاروان‌سراها، رباط‌ها و حوض‌انبارهای این مسیر در دوره صفوی و قاجار ساخته شده است. یکی از این ابنیه، مجموعه کاروان‌سرای چهل‌پایه است که به استناد مطالعات میدانی و کتابخانه‌ای بیشتر ابنیه آن در طول دوره قاجاریه یا اندکی قبل از آن ساخته شده‌اند. کاروان‌سرای چهل‌پایه امروزه در بین منازل کاروانسرای حوض خان در شمال و کاروان‌سرای دریند^۱ در جنوب، قرار دارد.

مسیری که کاروان‌سرای چهل‌پایه در آن قرار دارد از شهرهای مرکزی و جنوبی ایران از جمله کرمان و بندرعباس به سمت خراسان به‌ویژه نیشابور و مشهد منتهی شده و در اینجا به راه خراسان بزرگ یا راه ابریشم متصل می‌شود. در طول این مسیر کاروان‌سرا، حوض‌انبار و تک‌اتاق‌های گنبدی متعددی در گذشته ایجاد شده که بقایای معماری برخی از آن‌ها در حال حاضر همچنان پابرجا باقی مانده است. منازل مشهد تا

کرمان در برخی منابع تاریخی دوره صفویه تا اواخر قاجاریه و به‌ویژه *سفرنامه خراسان* و *کرمان* به‌طور دقیق بیان شده که با داده‌های میدانی باستان‌شناسی نیز مطابقت دارد. در بخشی از این کتاب که در دوره قاجاریه نوشته شده و در ذکر منازل بین‌نای‌بند خراسان تا دریند کرمان، اشاره به منازل نای‌بند، حوض خان، چهل‌پایه و سپس دریند شده که هر یک بین ۵ تا ۶ فرسخ از یکدیگر فاصله دارند. نکته قابل‌توجه در توصیف این راه ارتباطی اشاره به آثار بین‌راهی دیگر این مسیر است که اهمیت زیادی دارند. این آثار شامل: آب‌انبار، تک-بناهای کوچک گنبدی و میل راهنمای سنگی در مسیر حوض خان تا چهل‌پایه و چند میل راهنمای سنگی دیگر به فاصله یک فرسخ از یکدیگر در مسیر چهل‌پایه تا دریند، است (افضل‌الملک، ۱۳۶۲: ۱۷۲-۱۶۷). دلیل ساخت میل‌های راهنما به‌ویژه در مسیر چهل‌پایه تا دریند هموار بودن سطح دشت و عدم برجستگی و دید ناکافی بود. بر همین اساس این سازه‌ها ساخته شد تا کاروانیان با کمک آن‌ها بتوانند مسیر بین دو کاروان‌سرا را شناسایی کرده و از مسیر اصلی منحرف نشوند (تصویر ۲۷). این مسیر ارتباطی در سراسر دوره قاجاریه و حتی اندکی پس از آن نیز همچنان به‌عنوان یکی از مسیرهای اصلی شناخته شده بوده به‌نحوی که حتی سیاحان خارجی اواخر این دوره نیز از آن عبور کرده‌اند. مثلاً سرپرسی سایکس سیاح انگلیسی در توصیح این راه ضمن اشاره به منازل آن مانند نای‌بند، حوض خان و چهل‌پایه به برخی بنا-های بین‌راهی همچون آب‌انبارهای دایر یا متروک، پایاب و میل‌های راهنما، نیز پرداخته شده است (سایکس، ۱۳۳۶: ۴۸-۴۳). از نکات جالب‌توجه دیگری که در طول این مسیر و در طی بررسی‌های میدانی شناسایی شد، تعدادی از قبرهای ساده تک و بدون استقرار پیرامونی در آن است. احتمال داده می‌شود این قبور متعلق به افرادی بوده که در طول مسیر فوت کرده و توسط سایر کاروانیان در همان‌جا دفن شده‌اند. با توجه به شواهد موجود این قبور روبه‌قبله بوده و دو سنگ برافراشته در بالای و پایین آن‌ها مشخص است (تصویر ۲۸).

۱. کاروان‌سرای دریند امروزه در تقسیمات سیاسی جزء استان کرمان است.



تصاویر ۲۸-۲۷: سنگ‌های برافراشته و میل راهنما در حاشیه جاده قدیمی خراسان - کرمان در سمت راست و یکی از قبور باقی مانده در کنار جاده قدیمی خراسان-کرمان در سمت چپ (نگارندگان، ۱۳۹۹)

نتیجه‌گیری

در گذشته یکی از ضروریات جدایی‌ناپذیر راه‌های بین‌شهری، وجود سازه‌های خدماتی همچون کاروان‌سرا بوده است. در مناطق کویری و نیمه‌بیابانی علاوه بر کاروان‌سرا، وجود سازه‌های دیگری همچون آب‌انبار نیز بسیار اهمیت داشت. یکی از این مسیرهای ارتباطی مهم در گذشته جاده خراسان-کرمان بود که بیشتر آن در منطقه‌ای کویری و نیمه‌بیابانی قرار داشت. این جاده ارتباطی نه تنها از بعد سیاسی و اقتصادی اهمیت داشت، بلکه به استناد منابع تاریخی از جنبه مذهبی نیز جایگاه ویژه‌ای داشته است. به همین دلیل، از دوره صفویه به بعد و با رسمیت مذهب تشیع، توجه بیشتری به این مسیر شده و تعداد زیادی بناهای بین‌راهی در آن ایجاد شد. در حال حاضر بخشی از جاده خراسان-کرمان در حدفاصل دو شهرستان دیهوک خراسان جنوبی و راور کرمان قرار گرفته است. یکی از مجموعه بناهای بین‌راهی این مسیر که در منابع تاریخی گوناگون نیز به آن اشاره شده چهل‌پایه است. در این مجموعه سازه‌های معماری گوناگون با کاربری‌های متفاوت وجود دارد که احتمالاً در دو یا چند دوره زمانی ساخته شده‌اند. با توجه به مطالعات میدانی صورت گرفته و نیز استناد به منابع تاریخی، چهل‌پایه در گذشته و قبل از دوره قاجاریه احتمالاً دارای یک پایاب و چند اتاقک کوچک گنبدی بوده است. اینکه این ابنیه دقیقاً در چه دوره‌ای ساخته شده‌اند متأسفانه با مطالعه شواهد معماری آن‌ها که بسیار ساده‌اند و مطالعات مقایسه‌ای صورت گرفته، اطلاعاتی به دست نیامد، اما با استناد به منابع تاریخی می‌توان حداقل تاریخی بین قرن چهارم تا یازدهم هجری را برای

آن‌ها در نظر گرفت. کاربری شناسایی شده این ابنیه که در مطالعات میدانی و استناد به منابع تاریخی شناسایی شد شامل اتاقک موقتی برای اتاقک‌های گنبدی و مکان دسترسی و برداشت آب زیرزمینی برای پایاب بوده است. این دو نوع بنای بین‌راهی چهل‌پایه از یک جنبه در مطالعات باستان‌شناسی اهمیت زیادی دارند، زیرا تاکنون کمتر بنای مشابهی در سایر مناطق و در مسیرهای بین‌راهی شناسایی و معرفی شده که سیما و کاربری مشابه این ابنیه را داشته باشند. مشابه این ابنیه در بررسی میدانی مسیر حوض خان به چهل‌پایه نیز شناسایی شد که احتمالاً در گذشته همین کاربری را داشته‌اند.

گروه دیگر بناهای مجموعه چهل‌پایه شامل سه حوض‌انبار می‌شود. با توجه به وجود سه حوض‌انبار سالم و نیمه‌سالم در این مجموعه و نیز استناد به منابع تاریخی می‌توان این احتمال را داد که حداقل یک یا دو حوض‌انبار قبل از دوره قاجاریه ساخته شده باشد، زیرا با استناد بر منابع تاریخی استفاده از پایاب به دلیل عمق زیاد و تاریک آن، برای کاروانیان بسیار سخت بوده است. به همین دلیل و قبل از ساخت کاروان‌سرا و بناهای دیگر این مجموعه، در مرحله دوم احتمالاً یک یا دو حوض‌انبار در آن ساخته شده بود. اینکه تاریخ دقیق ساخت این ابنیه چه زمانی بوده چندان مشخص نیست، اما می‌توان احتمال داد که شاید در طول دوره صفویه یا قبل از دوره قاجار این سازه‌ها ساخته شده باشند، زیرا مشابه این ابنیه با همین بازه زمانی در مناطق دیگر همچون شهرستان خوسف و در میان استان خراسان جنوبی شناسایی

شده است. در مرحله سوم و در طول دوره قاجاریه به چهل- پایه توجه بیشتری شده و چندین بنای گوناگون با کاربری‌های متفاوت برای آن ساخته شد. موضوعی که هم با مطالعات مقایسه‌ای ابنیه می‌توان آن را ملاحظه کرد و هم در منابع تاریخی به آن اشاره شده است. در طول این دوره یک کاروانسرای بزرگ با چهار برج دیده‌بانی مشابه کاروانسرای کبوترخان، احتمالاً یک یا دو حوض انبار، یک برج دیده‌بانی در بالای کوه نزدیک بنا مشابه برج نوگنبد، یک کوره تولید آجر و چند سرویس بهداشتی، در این مجموعه ساخته شد. این اقدامات معماری گسترده و ساخت سازه‌هایی با کاربری- های گوناگون نشان می‌دهد که این راه تجاری در طول دوره قاجاریه اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. در بررسی‌های میدانی این مجموعه علاوه بر شواهد معماری، تعدادی یافته‌های منقول همچون قطعات سفال و شیشه نیز شناسایی شد که متأسفانه بیشتر آن‌ها چندان شاخص و قابل تاریخ‌گذاری مقایسه‌ای نبودند، اما این احتمال داده می‌شود که حداقل برخی از آن‌ها مربوط به قرون یازدهم تا سیزدهم هجری باشند.

با توجه به توضیحات ارائه شده و استناد به مطالعات میدانی و کتابخانه‌ای، روند ساخت آثار معماری گوناگون در مجموعه بین‌راهی چهل‌پایه احتمالاً از قرن چهارم و پنجم هجری آغاز شده و تا دوره قاجاریه ادامه یافته است. بر همین اساس احتمالاً ابتدا اترافگاه‌های کوچک گنبدی و پایاب در آن ساخته شده و سپس با توجه به نیاز کاروانیان در دوره‌ای بین حکومت صفویه تا قاجار یک یا دو حوض انبار در آن ایجاد شده است. در مرحله سوم و با توجه به اهمیت بیشتر این مسیر در طول دوره قاجاریه بزرگ‌ترین بنای این مجموعه که همان کاروانسرا باشد و تعدادی ابنیه دیگر با کاربری‌های متفاوت همچون حوض انبار، در آن ساخته شد. متأسفانه در حال حاضر این مجموعه بین‌راهی ارزشمند مورد بی‌مهری قرار گرفته و روند تخریب آثار معماری متنوع آن بیش از پیش شده است.

فهرست منابع

۱. ابن‌حوقل، ابی‌القاسم. (۱۳۶۶). *سفرنامه ابن‌حوقل*. تهران: امیرکبیر.

۲. اسمعیلی جلودار، محمد اسماعیل؛ و جواد صفی‌نژاد. (۱۳۸۸). «پیشنهادی در چگونگی طراحی شبکه تأمین آب در کاروانسرای کویری نوگنبد بر پایه نتایج به‌دست‌آمده از بررسی باستان‌شناختی منطقه نوگنبد-اردکان در نائین». *مطالعات باستان‌شناسی*. (شماره ۱)، ۲۰-۱.
۳. اصطخری، ابواسحق ابراهیم. (۱۳۴۰). *المسالک و الممالک*. به‌کوشش ایرج افشار. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۴. افضل‌الدین کرمانی، احمد بن حامد. (۱۳۲۶). *تاریخ افضل*. تصحیح مهدی بیانی. تهران: دانشگاه تهران.
۵. اعتمادالسلطنه، محمدحسن. (۱۳۶۷). *تاریخ منتظم ناصری*. تصحیح محمد اسماعیل رضوانی. ج ۲. تهران: دنیای کتاب.
۶. افضل‌الملک، غلامحسین. (۱۳۶۲). *سفرنامه خراسان و کرمان*. به‌کوشش قدرت‌الله روشنی. تهران: طوس.
۷. پیرنیا، محمدکریم. (۱۳۹۰). *آشنایی با معماری اسلامی ایران*. تهران: دانشگاه علم و صنعت.
۸. پیرنیا، محمدکریم؛ و کرامت‌الله افسر. (۱۳۷۰). *راه و ریاط*. تهران: آرمین.
۹. ترکمان، اسکندر بیگ. (۱۳۸۲). *تاریخ عالم‌آرای عباسی*. ج ۲. تصحیح ایرج افشار. تهران: امیرکبیر.
۱۰. ترک‌لادانی، صفورا؛ و علی‌اکبر کجباف. (۱۳۸۹). «کاروان و سیر کاروان‌های تجاری در ایران عهد صفوی». *پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام*. (شماره ۶)، ۵۲-۳۳.
۱۱. جیهانی، ابوالقاسم بن احمد. (۱۳۶۸). *اشکال العالم*. ترجمه عبدالسلام کاتب. مشهد: آستان قدس رضوی.
۱۲. حامد کرمانی، افضل‌الدین ابوحامد احمد. (۱۳۲۶). *تاریخ افضل یا بدایع الازمان فی وقایع کرمان*. تصحیح مهدی بیانی. تهران: دانشگاه تهران.
۱۳. حامی، احمد. (۱۳۵۸). *راه‌های ایران در گذشته و آینده*. تهران: مجلس.
۱۴. حبیب‌آبادی، محمدعلی. (۱۳۸۱). *مکارم‌الآثار در احوال رجال دوره قاجار*. ج ۴. اصفهان: اداره کل فرهنگ و هنر استان اصفهان.
۱۵. زمرشیدی، حسین. (۱۳۷۴). *مسجد در معماری ایران*. تهران: کیهان.

۱۶. سالار بهزادی، عبدالرضا. (۱۳۸۴). *بلوچستان در سال‌های ۱۳۰۷ تا ۱۳۱۷ قمری*. تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
۱۷. سامی، علی. (۱۳۸۹). *تمدن هخامنشی*. ج ۲. تهران: سمت.
۱۸. سایکس، سرپرسی. (۱۳۳۶). *سفرنامه سرپرسی سایکس یا ده هزار میل در ایران*. ترجمه حسین سعادت نوری، تهران: کتابخانه ابن‌سینا.
۱۹. سیرو، ماکسیم. (۱۹۴۹). *کاروانسراهای ایران و ساختمان‌های کوچک میان راه*. ترجمه عیسی بهنام. تهران: سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران.
۲۰. صداقت کیش، جمشید. (۱۳۸۶). «کاروانسراها». *وقف میراث جاویدان*. (شماره ۵۸)، ۶۵-۴۲.
۲۱. صدیقیان، حسین. (۱۳۹۴). *گزارش بررسی و شناسایی باستان‌شناختی بخش‌های گزیک و قهستان شهرستان درمیان*. ج ۱. مرکز اسناد اداره کل میراث فرهنگی استان خراسان جنوبی، منتشرنشده.
۲۲. طباطبایی، لسان‌الحق. (۱۳۸۵). «پایاب»، *فرهنگ مردم*. (شماره ۱۷)، ۳۰-۲۶.
۲۳. عرفان‌منش، جلیل. (۱۳۷۶). *جغرافیای تاریخی هجرت امام رضا(ع) از مدینه تا مرو*. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
۲۴. قبادیانی، ناصر خسرو. (۱۳۸۴). *سفرنامه ناصر خسرو*. به‌کوشش محمود غنی‌زاده. تهران: اساطیر.
۲۵. کخ، هایدماری. (۱۳۸۷). *از زبان داریوش*. ترجمه پرویز رجبی. تهران: کارنگ.
۲۶. کیانی، محمد یوسف؛ و ولفرام کلایس. (۱۳۷۲). *کاروانسراهای ایران*. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
۲۷. کیانی، محمدیوسف. (۱۳۷۶). *تزیینات وابسته به معماری ایران در دوره اسلامی*. تهران: سازمان میراث فرهنگی.
۲۸. گابریل، آلفونس. (۱۳۷۱). *عبور از صحاری ایران*. ترجمه فرامرز نجد سمیعی. مشهد: آستان قدس رضوی.
۲۹. گریشمن، رومن. (۱۳۸۶). *ایران از آغاز تا اسلام*. ترجمه محمد معین. تهران: علمی و فرهنگی.
۳۰. محمد بن ابراهیم. (۱۳۴۳). *ساجوقیان و غزدر کرمان*. تصحیح محمد ابراهیم باستانی پاریزی. تهران: کتابخانه طهوری.
۳۱. محمودی‌نسب، علی‌اصغر. (۱۳۹۷). *گزارش بررسی باستان‌شناسی بخش دیهوک و دهستان پیرحاجات شهرستان طبس*. بیرجند: آرشیو اداره کل میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری استان خراسان جنوبی.
۳۲. معماریان، غلامحسین. (۱۳۶۷). *نیارش سازه‌های طاقی در معماری اسلامی ایران*. ج ۱. تهران: جهاد دانشگاهی دانشگاه علم و صنعت ایران.
۳۳. مقدسی، محمد بن احمد. (۱۳۶۱). *أحسن التقاسیم*. ج ۲. ترجمه علی‌نقی منزوی. تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان.
۳۴. مؤمنی، کوروش؛ و همکاران. (۱۳۹۵). «بررسی تطبیقی ویژگی‌های تزیینات آجرکاری خانه آخوند ابوی خرم‌آباد و خانه سوزنگر دزفول». *اثر*. (شماره ۷۳)، ۱۴۲-۱۲۳.
۳۵. میر احمدی، مریم. (۱۳۶۸). «راه‌های ایران در قرون نخستین اسلامی». *تحقیقات جغرافیایی*. (شماره ۱۴)، ۱۱۱-۱۰۰.
۳۶. میرخواند، محمد بن سید برهان‌الدین خاوندشاه. (۱۳۳۹). *روضه‌الصفاء*. تهران، مرکزی.
۳۷. نراقی، حسن. (۱۳۵۲). «راه‌سازی کاروانسرای شاه‌عباسی و برخی از بناهای تاریخی فراموش‌شده باغ و عمارات تاج‌آباد نطنز عباس‌آباد شکارگاه و بند عباسی یا سد قهرود». *هنر و مردم*. (شماره ۱۲۷)، ۷۳-۵۷.
۳۸. هدایت، رضاقلی. (۱۳۷۳). *فهرس‌التواریخ*. تصحیح هاشم محدث. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۳۹. ویسهوفر، یوزف. (۱۳۸۸). *ایران باستان از ۵۵۰ پیش از میلاد تا ۶۵۰ پس از میلاد*. ترجمه مرتضی ثاقب‌فر. تهران: ققنوس.
40. Watson, Oliver. (2004). *Ceramics from Islamic Lands*. New York: Thames & Hudson.
41. URL1: <http://gndb.ncc.gov.ir>, 2021

